(مقاله مروری)

ضلع گمشده «اخلاق» در مثلث توسعه پایدار

دکتر نادیا عباس‌زاده تهرانی *

گروه مدیریت هوانوردی و فضایی، پژوهشکده مدیریت،حقوق و استانداردهای هوافضایی، پژوهشگاه هوافضا

(تاریخ دریافت: 94/3/4 تاریخ پذیرش: 94/6/2)

چکیده

زمینه: ایده توسعه پایدار، به‌طور هم‌زمان«توسعه و بازده اقتصادی» و «رفاه اجتماعی» را به همراه «حفظ پایداری محیط طبیعی و بازیابی منابع سرزمین» تجویز می‌نماید آنچه به‌طور آشکار نتایج پژوهش‌ها و اقدامات در این زمینه را زیر سؤال می‌برد، ناکارمدی آنها در پایدار نمودن محیط زیست انسانی جهت حیاتی درخور و متعالی است. از این روی، به‌نظر می‌رسد جهان به تعریف جدیدی از مفهوم توسعه پایدار نیاز دارد که در آن، علاوه‌بر حفظ و ارتقاء جنبه‌های محیطی، اجتماعی و اقتصادی، تعالی اخلاق و فرهنگ انسانی و تکامل روحی او را نیز مورد توجه قرار دهد تا بتوان به چهارچوبی مناسب جهت حیاتی ارزشمندتر و درخور شأن و منزلت مقام انسان به‌عنوان جانشین خالق در زمین دست یافت. این مقاله به بررسی ضرورت و چگونگی ورود مفاهیم اخلاقی و معنوی به مثلث سنتی توسعه پایدار می پردازد و با تحلیل و تجمیع نظرات و مطالعات، مؤلفه‌های این بعد چهارم توسعه پایدار را تبیین می‌نماید.

نتیجه‌گیری: نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که اهداف نهایی فرایند توسعه پایدار -که به‌عنوان بعد جدید چهارم مطرح می‌شود- به‌جای تأکید براحساس رضایت درونی افراد، باید بر تعالی و کسب خیر معنوی و به منصه ظهور رساندن قابلیت‌های الهی روح انسان متمرکز باشد.گسترش عدالت و خیرخواهی، هم‌دردی و شفقت، احترام به قوانین طبیعی، روشن‌بینی، کسب فضایل اخلاقی و در نهایت تلاش جهت تجلی اسماء الهی در وجود خویش، از اهداف مطرح در این دیدگاه می‌باشند.

کلید واژگان: *توسعه پایدار، اخلاق، بعد چهارم توسعه*

سرآغاز

ایده توسعه پایدار[1]، چارچوبی اساسی و غیرقابل اجتناب برای ایجاد راهکار(استراتژی)هایی است که جهت تصمیم‌گیری در سطح کلان و راهبردی توسعه کشور ضروری هستند. با شدت یافتن مشکلات جهانی مربوط به مصرف بی‌رویه منابع سرزمین و متعاقب آن، بروز اثرات زیان بار محیط زیستی و همچنین اقتصادی- اجتماعی در سراسر جهان در دهه‌های اخیر، که تداوم حیات را در کره زمین به مخاطره انداخته است و عزم کشورها در مشارکت جهانی جهت کاهش و کنترل این اثرات، «ایده توسعه پایدار» که به‌طور هم‌زمان توسعه و کارائی اقتصادی[2] و رفاه اجتماعی[3] را به‌همراه حفظ پایداری محیط زیست[4] و حفظ و بازیابی منابع سرزمین تجویز می‌نماید، به‌عنوان نقشه راه آینده توسعه ملل- و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دستاوردهای اجلاس‌های محیط زیستی سازمان ملل- مورد استقبال و تأیید غالب کشورهای جهان قرار گرفته است. جهت توصیف ایده توسعه پایدار تعاریف بسیار و چارچوب‌های مختلفی در نظر گرفته شده است. ازجمله: فرایند توسعه پایدار به محدودیت‌های اکولوژیکی[5] حساس است و در پی به حداقل رساندن اثرات ناخواسته بهره‌برداری و استفاده از منابع طبیعی است، به‌طوری‌که اثرات منفی بر روی بقای منبع نداشته باشند. همچنین فرایندی

* نویسنده مسؤول: نشانی الکترونیکی: tehrani @ ari.ac.ir

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1395.11.1.1.9]

است که در آن هزینه‌های جایگزینی اقتصادی و محیط زیستی استفاده از یک منبع، باید در نظر گرفته شود(1). اگرچه در مشهورترین تعریف ارائه شده از ایده توسعه پایدار توسط کمیسیون توسعه محیط زیست سازمان ملل، مفهومی کاملا اخلاقی نهفته است که عبارت‌است از: «در نظر گرفتن غیرخود در هنگام انجام یک عمل» که درواقع همان اخلاق کاربردی است، اما در سیاست‌ها، خط مشی‌ها و شاخص‌های تدوین شده، کمتر نشانی از این جنبه تعریف دیده می‌شود. آنچه که در این میان مورد بی‌توجهی قرار گرفته، هدف نهایی ایده پایداری، یعنی اخلاق و الهیات است. امروزه بازتعریف ایده رایج توسعه پایدار با افزودن مفاهیم اخلاقی و معنوی و غیرمادی به این مثلث سنتی ضرورت پیدا کرده است، شاید با افزودن این ضلع مهم، بتوان به چهارچوبی مناسب جهت حیاتی ارزشمندتر و درخور شأن و منزلت مقام انسان به‌عنوان جانشین خالق در جهان، دست یافت. این مقاله به تحلیل عقاید صاحب نظران، ضرورت و چگونگی گنجاندن مفاهیم اخلاقی در ایده توسعه پایدار می‌پردازد.

طرح متن (یافته‌ها)

بعد چهارم پایداری چیست؟

محققان و صاحب‌نظران بسیاری معتقدند که نگرانی‌های فزاینده‌ای در مورد کارایی الگو(مدل) سه بعدی پایداری (محیط زیستی، اقتصادی و اجتماعی) وجود دارد و این مدل از توجه یک بُعد اساسی مغفول مانده است؛ بعد «ارزش‌های انسانی»[6] که می‌تواند به‌صورت جنبه‌های مختلف: «فرهنگی- زیبایی شناختی»، «نهادی- سیاسی» و یا «مذهبی- روحانی» در نظر گرفته شود(2-4). در ادامه، مروری مختصر بر هریک از جنبه‌های یاد شده خواهیم داشت:

● جنبه فرهنگی- زیبایی شناختی: این بعد بر هنر و جنبه‌های زیبایی شناسانه تمرکز دارد. بعد فرهنگی که به‌صورت حس سلامت، خلاقیت، تنوع و نوع آوری درک می‌شود، باید به‌عنوان یکی از نیازهای اساسی یک جامعه سالم در نظر گرفته شود. درواقع باید به تمامی الگوهای مشخص معنوی، مادی، ویژگیهای فکری و عاطفی که یک جامعه یا گروه اجتماعی را شکل می‌دهد توجه شود(2). یونسکو نیز به نقش اساسی فرهنگ در اخلاق پایداری به‌عنوان یک رکن ایستا در فرایند توسعه پایدار یا یک پایه اساسی برای سه رکن دیگر، اشاره دارد(5).

جنبه سیاسی- نهادی: جنبه‌های نهادی توسعه پایدار به‌طور گسترده‌ای در کمیسیون توسعه پایدار سازمان ملل مورد توجه قرار گرفته است. «نهاد» نتیجه فرایندهای بین فردی مانند ارتباطات و همکاری است که منجر به ایجاد سیستم قوانین و اطلاعاتی می‌شود که بر تعاملات میان اعضای جامعه حاکم است(6).

● جنبه مذهبی- روحانی: جنبه دیگر که کمتر شناخته شده و مورد توجه قرار گرفته و مورد تمرکز این تحقیق است، در ایدهٔ «بیداری وجدان اخلاقی و معنوی جهانی» نهفته است که تحول پایداری را پی ریزی می‌کند. این بیداری وجدان درحال ظهور، چنین تعبیر می‌شود: بینش و شجاعت اخلاقی در ایجاد سیاست‌ها، برای حصول به تحول در پایداری ضروری است(7). در بیانیه ریو +20 نیز بیداری وجدان و اخلاق، رکن اصلی برای سه رکن دیگر برشمرده شده است(8).

هر سه جنبه یاد شده با وجود تفاوت‌های ظاهری در یک مورد مشترک هستند و آن مطرح نمودن ارزش‌های انسانی است. تعدادی از محققان معتقدند که «ارزش‌های انسانی» مهم‌ترین رکن این بعد پایداری را تشکیل می‌دهد. آنها ارزش را در قالب دو تعریف بیان می‌کنند:

1- اصول یا استانداردهای رفتار و 2- قضاوت فرد در مورد آنچه برای او در زندگی مهم است. البته اصول و رفتارها نیز از آنچه برای افراد مهم است منتج می‌شوند بنابرین تعریف دوم در برگیرنده تعریف اول نیز هست(9).

آنچه که در بسیاری از مباحثات در مورد ایده پایداری مورد غفلت قرار گرفته است، تعریف اول (اصول و یا استانداردهای رفتار) است که از آن به‌عنوان ارزش‌های اخلاقی[7] یاد می‌شود. این بعد چهارم، هم طراز سه بعد دیگر پایداری، باید در گفتمان‌ها و تعاملات بین‌المللی به‌کار گرفته شده و به‌طور جدّی دیده شود؛ چیزی که در مناسبات امروزه کمتر به چشم می‌خورد. بُعدی که تعدادی از محققین آن را مهم‌تر از ابعاد دیگر پایداری می‌دانند. در واقع اخلاقیات و الهیات، در چارچوبی که مطرح شده و توسط

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1395.11.1.1.9]

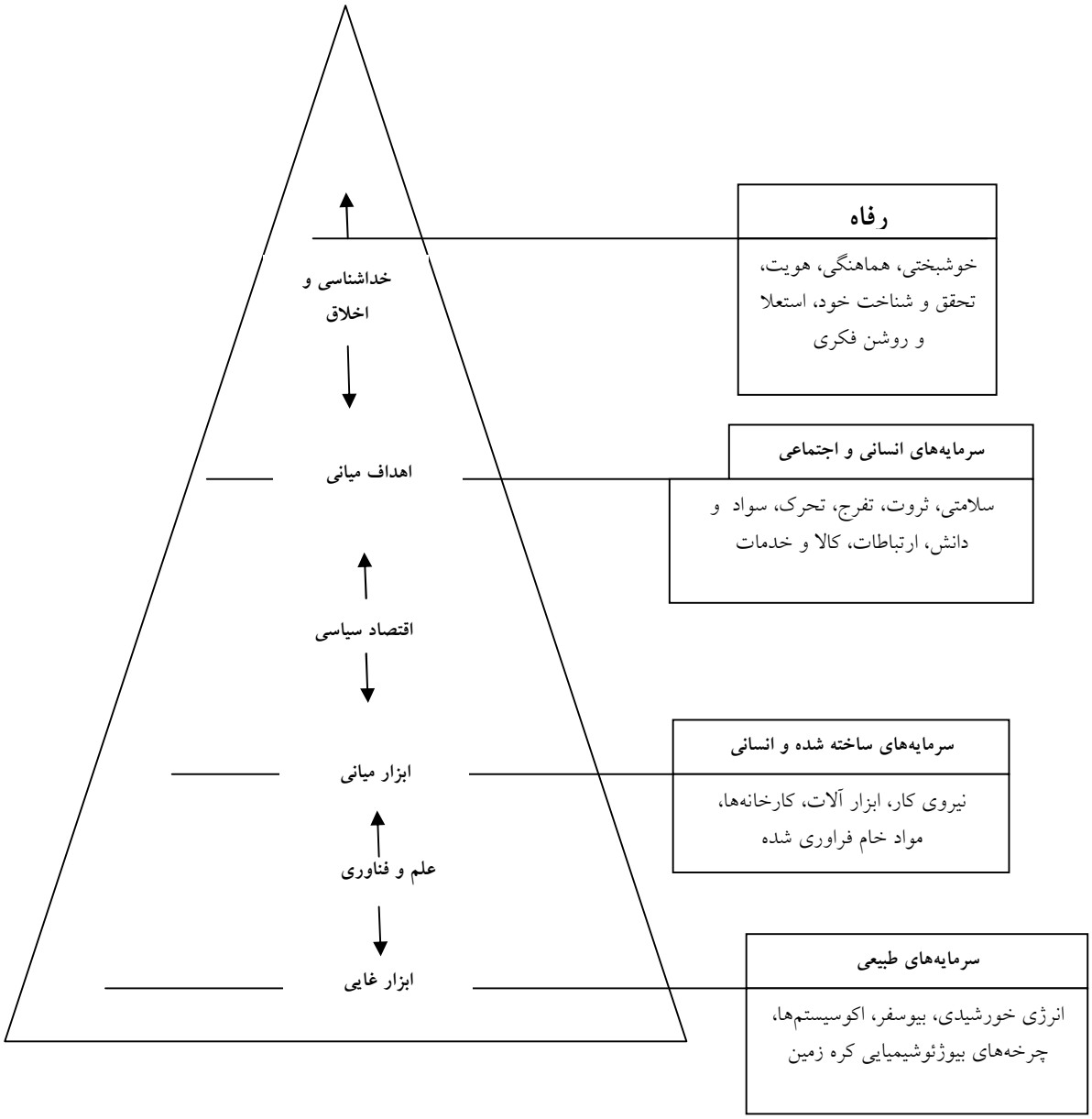

نگاره 1: چارچوب منتخب جهت تبیین ایده توسعه پایدار (11)

برخی اندیشمندان به‌عنوان مناسب‌ترین گزینه جهت توصیف توسعه پایدار انتخاب کرده، به‌عنوان هدف نهایی توسعه پایدار در نظر گرفته می‌شوند(10) (نگاره 1). در این چارچوب، ارتباط میان اقتصاد انسانی و منابع کره زمین، چنین به تصویر کشیده شده است: در سطح اول یا قاعده یک مثلث فرضی، که پشتیبان هر عمل و هر اقدامی است، ابزارهای نهایی[8] قرار دارد که توسط آنها تمام زندگی و تبادلات اقتصادی ایجاد و حمایت می‌شوند. این سطح، همان سرمایه‌های طبیعی[9] است. انرژی خورشیدی، چرخه‌های بیوژئوشیمیایی، اکوسیستم‌ها و اطلاعات ژنتیکی که درخود جا داده‌اند و انسان‌ها به‌عنوان موجودات زنده. این ابزارهای نهایی توسط انسان‌ها ایجاد نمی‌شوند. اینها میراثی است که انسان در بطن آنها متولد شده و از آنها، هرچیز که دارد یا می‌داند، شکل داده می‌شود. آنها توسط علوم مطالعه می‌شوند و از طریق فناوری به ابزارهای میانی منتقل می‌شوند.

ابزار میانی، دستگاه‌ها، ماشین‌ها، کارخانه‌ها، نیروی کار ماهر، ماده و انرژی فراوری شده، سرمایه‌های ساخته شده و سرمایه‌های انسانی و مواد خام هستند. این ابزار میانی ظرفیت

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1395.11.1.1.9]

تولیدی اقتصاد را تعیین می‌کنند. اقتصاد دانان آنها را به «ورودی» تعبیر می‌کنند (آنها ورودی‌های سرمایه‌های طبیعی قیمت گذاری نشده را که از سطح پایین‌تر وارد می‌شوند در نظر نمی‌گیرند). ابزار میانی ضروری هستند اما برای حصول به اهداف بالاتر کافی نیستند و مدیریت، ارزشیابی، توزیع، حفظ و استفاده از آنها، دغدغه اقتصاددانان و سیاستمداران است.

اهداف میانی، اهدافی هستند که دولت‌ها و حکومت‌ها نوید می‌دهند و انتظار می‌رود که اقتصاد، آنها را برآورده کند مانند: کالاها و خدمات برای مصرف کنندگان،سلامت، ثروت، سواد، تفرج، ارتباطات، تحرک. چیزی که اقتصاد دانان «خروجی» می‌نامند. اهدافی که همگان می‌طلبند اما حصول به آنها هیچ تضمینی برای رسیدن به «رضایت» نیست. چنانچه در بسیاری از جوامع مؤلفه‌های این سطح بخوبی پوشش داده شده، اما مردم همچنان احساس پوچی می‌کنند. زیرا اهداف میانی، خود، هدف نیستند بلکه ابزاری جهت حصول به چیزی والاتر و ارزشمندتر هستند. تغییر و تبدیل اهداف میانی به اهداف غایی مستلزم وجود یک «اخلاق تأثیرگذار» یا «دین» یا «فلسفه‌ای» است که بتواند به این سؤال جواب قانع‌کننده دهد: «این سلامت، ثروت و تحصیلات برای حصول به چیست؟»

لذا در راس هرم فرضی، اهداف غایی[10] قرار می‌گیرد که بخودی خود مطلوب هستند نه اینکه ابزاری برای به‌دست آوردن هدف دیگری باشند. یکی از صاحب‌نظران معتقد است که تعریف و یا اندازه‌گیری این هدف غایی بخصوص برای مردم مغرب زمین مشکل است؛ او تعدادی واژه را که معتقد است مردم جهت توصیف این اهداف غایی از فعالیت‌های اقتصادی و زندگی انسانی به‌کار می‌برند به سطح نهایی مثلث می‌افزاید: خوشبختی، هماهنگی، تحقق آرزوها، احترام به خود، شناخت خود، جامعه، هویت، استعلا و روشن فکری. چارچوب عنوان شده، بهترین و مؤثرترین چارچوب از میان دیگر روش‌ها و توصیف‌ها جهت به تصویر کشیدن ایده توسعه پایدار است (11).

توسعه پایدار در واقع ایده‌ای جهت مرتبط نمودن سطح بالا(توسعه) و سطح پایین(پایداری) هرم مذکور است. جامعه صنعتی امروز، هزاران شاخص برای سطح میانی هرم، تعداد کمی برای سطح پایین هرم و متأسفانه تقریبا هیچ شاخصی را برای سطح بالا (یا همان اهداف غایی مد نظر این نوشتار) در نظر نمی‌گیرد(11). بی‌دلیل نیست که جامعه انسانی هرروز بیش از پیش از اهداف متعالی تهی می‌گردد. فرایند توسعه پایدار باید توجه اذهان را به حفظ سطح اول و آخر هرم جلب کند: سلامت اکوسیستم و محیط زیست و در نهایت تعالی انسانی و اهداف عالی بشری. اگرچه ممکن است در وهله اول متضاد به‌نظر برسند، اما دو ایده «توسعه» و «پایداری» باید از سطح پایین و بالای هرم استخراج شوند. لذا قابل تصور است که سلامت، تحصیلات و هماهنگی، حتی اگر جابه‌جایی انرژی، سرمایه و کار کمتر منجر شود، می‌توانند افزیش یابند. این روند دقیقاً در جهت توسعه پایدار است. در واقع هدف اولیه در یک جامعه پایدار تولید بیشتر اهداف غایی، با کمترین ابزار ممکن است.

شاخص‌های اهداف غایی

در یک جامعه که تمایل به حرکت در مسیر توسعه پایدار دارد، اهداف غایی می‌توانند توسط شاخص‌هایی مورد بررسی قرار گیرند. پس از مطالعات بسیار میان فرهنگ‌های متنوع جهان، فهرستی از «نیازهای اولیه انسان» معرفی شده است. شامل: 1- امرار معاش 2- امنیت 3 -محبت 4-درک 5-مشارکت 6 - تفریح و استراحت 7-خلاقیت 8-هویت 9-آزادی(12)؛ سایر محققین، مؤلفه‌های دیگر مانند زیبایی، تعالی، روشن فکری و بخشش را نیز به آن افزوده‌اند(11). این نیازها تقدم و تأخر ندارند و برآوردن یکی موجب عدم نیاز به دیگری نمی‌گردد. نوع دستیابی و وسیله دستیابی به آن هم در جوامع مختلف متفاوت است. به‌نظر می‌رسد اهداف غایی می‌توانند حداقل به‌طور کیفی، توصیف و تعیین شوند و برای افراد مختلف هم تفاوت چندانی وجود ندارد اما وسیله‌ها و ابزار حصول به آنها در افراد مختلف متفاوت است.

اهداف غایی براساس اولویت‌ها یا خیر و صلاح؟

مردم بیشتر در موردآنچه زندگی آن‌ها را بهتر یا بدتر می‌کند دچار اشتباه می‌شوند. تعدادی از فلاسفه نیز به همین دلیل تأکید می‌کنند آنچه مهم است تمایلات فرد نیست بلکه خواسته‌هایی

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1395.11.1.1.9]

است که او در صورت آگاهی کامل از نتیجه (واقعی) هر عمل دارد. اگر در مورد احداث یک ساختمان که مستلزم خشکاندن تالابی باشد که به ظاهر هیچ‌گونه جاذبه‌ای ندارد، نظر افراد را بپرسند، به احتمال ساختمان بر تالاب ترجیح داده می‌شود زیرا افراد نمی‌دانند تالاب چه جامعه متنوعی از گیاهان و جانوران را حمایت می‌کند. اگر به‌طور کامل آگاه بودند، اولویت آنها چیزی دیگری بود و اگر خیلی دیر از ماهیت آنچه نابود شده باخبر شوند، حس می‌کنند زیان دیده‌اند. لذا تجزیه تحلیل هزینه-فایده، نتایج مطمئنی نمی‌دهد و تأثیر چنین ساخت و سازی را بر رفاه انسان به دقت ارزیابی نمی‌نماید، مگر آن که کوشش جدی در آگاه کردن کامل مردمی که قرار است نظرشان پرسیده شود، به‌عمل آید(13).

همچنین میان آنچه برای یک موجود خوب است (ارزش عینی) و آنچه موجود فکر می‌کند که برایش خوب است (ارزش ذهنی) تفاوت است. آنچه که یک موجود میل می‌کند یا آگاهانه دنبال می‌نماید به آنچه که عملا برای او خوب است، ارتباطی ندارد. موجودی که قابلیت عمل آگاهانه طبق میل خویش را داشته باشد، اگر به درستی مطلع شود، دنبال آن چیزی می‌رود که برایش خوب است، اما تمایل به آن، به خاطر خوبی آن است نه این که چون فرد بدان میل می‌کند پس آن خوبست. آنچه برای او خوبست، خوبست خواه او هر طور که میل کرده باشد، یا در اصول قابلیت میل کردن داشته باشد یا نداشته باشد(14). از این روی، مفهوم خوب بودن چیزی برای یک موجود را باید از میل و ترجیح، و در واقع از هر نوع زندگی آگاهانه، جدا کرد. لذا آنچه در مورد هر گونه‌ای ضرورت دارد این است که بدانیم برای بقا در شرایط سالم و تحقق آنچه که خصوصیت آن‌گونه است، و برای آن به‌وجود آمده است، چه چیزهایی مورد نیاز است. از این روی، اهداف غایی حیات نباید بر میل و خواسته افراد بلکه بر مصلحت و خیر آنها تعریف و دنبال شود. به‌دلیل فقدان این بینش و بصیرت در تصمیمات سیاستمداران است که بحران فعلی جهان رقم خورده است. بحران این است که بشریت امروزه بیش از هر زمان دیگر درگیر جدال بر سر زیاده خواهی و سلطه جویی خویش و اثرات منفی حاصل از آن بر محیط زیست، اجتماع و اقتصاد خویش است. او به تعریف جدیدی از مفهوم توسعه پایدار نیاز دارد؛ تعریفی که در آن علاوه بر حفظ و ارتقاء جنبه‌های محیطی، اجتماعی و اقتصادی، تعالی اخلاق و فرهنگ انسانی و تکامل روحی انسانها را نیز در بر گیرد. ایده رایج توسعه پایدار با افزودن مفاهیم اخلاقی و معنوی و غیر مادی به این مثلث سنتی، باید مورد بازبینی قرار گیرد. وارنوک معتقد است جهان امروز با کمبود پنج چیز روبه‌روست: منابع، اطلاعات، هوش، عقلانیت و همدردی[11]؛ و «کمبود همدردی» یا شفقت، بنیادی‌ترین نوع محدودیت است که به بحران فعلی دامن می‌زند. بنابرین به نظر می‌رسد در تعیین اهداف غایی، آنچه به مصلحت و صلاح و خیر انسان است نقش اساسی دارد نه از آنچه او می‌خواهد یا ترجیح می‌دهد.

کمال و سعادت انسان از دیدگاه فلاسفه مختلف

در طول تاریخ، فلاسفه مختلف نظرات متفاوتی را در مورد هدف غایی و کمال و سعادت انسان مطرح نموده اند. ملاصدرا، غایت وجود انسان را رسیدن به عقل مستفاد که شناخت وجود حضرت حق می‌باشد بر می‌شمارد. در نتیجه سعادت حقیقی از نظر صدرا عبارت است از: ادراک نظری معقولات که در بالاترین حد آن، عقل مستفاد و شناخت خداوند متعال قرار می‌گیرد.

تعدادی از فلاسفه معتقدند که اگر انسان بتواند از خواسته‌های قوای خود، مستقل شود و بین خواسته‌های درونی تعادل ایجاد کند و به سوی رفتارهای شایسته و پسندیده گرایش یابد و فضایل اخلاقی را در وجود خویش تا حد رسیدن به ملکه‌های نفسانی پرورش دهد، به آزادی درونی و عدالت خواهد رسید که مرز سعادت حقیقی در بعد عملی انسان خواهد بود. بنابراین، اگر انسان در بعد نظری، صورت‌هایی را به خوبی درک کند، در بعد عملی ظاهر، گناه نکند و رفتار خوب داشته باشد، و در بعد عملی باطن با پروراندن اخلاق و ملکات پسندیده در خود، به نشاط و آرامش درونی برسد؛ چون نفس تمام این معقولات و ملکات را با خود دارد و با آنها متحّد و یکپارچه باقی می‌ماند، بدین صورت انسان در دنیا و آخرت سعادتمند خواهد بود(15). ارسطو در تعریف خوشبختی می‌گوید خوشبختی همان است که انسانها بدان اقبال دارند، چنین اشتیاقی به میل و خواست افراد متکی

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1395.11.1.1.9]

نیست، بلکه مبتنی بر خواسته‌ای است که عقل عملی بر آنها مهر تایید می‌زند و آنها را با کمال و شکوفایی سرشت آدمی سازگار می‌داند(14). دیدگاه ارسطو درباره خیر غایی، با دیدگاه‌های دینی، به‌ویژه یهودیت، مسیحیت و اسلام، انطباق دارد؛ چرا که سرنوشت حیات اُخروی انسان با طرز رفتار او در این جهان رقم می‌خورد. بر همین قیاس، او بر این باور بود که تا آن هنگام که زندگی فرد به پایان نرسیده است، نمی توان درباره خوشبختی او اظهارنظر کرد. زیرا داشتن زندگی سعادتمندانه به همه رویدادها و ازجمله واپسین رویدادهای زندگی آدمی بسته است. نقطه افتراق میان دیدگاه ارسطو و دیدگاه ادیان این است که سعادت غایی در دید ادیان نوعی پاداش زندگی خوب به شمار می‌آید، در حالی که در اندیشه یونانیان به صراحت اسمی از این پاداش اُخروی به میان نیامده است. عالمان الهیات و متخصصان ادبیات روم باستان در این باره که تا چه میزان می‌توان این دیدگاه‌ها را با هم آشتی داد، اختلاف نظر دارند. تفاوت دیگر تفکر ارسطو با ادیان، مساله شانس است. به نظر ارسطو، کسب فضایل شرط لازم نیل به خوشبختی است نه شرط کافی؛ زیرا کسی که در اوضاع اَسف بار رنج می‌برد هرچند از فضیلت بسیار بهره مند باشد نمی تواند سعادتمند به شمار آید.

اغلب اندیشه‌های معاصر درباره ماهیت خیر، با تفکر ارسطویی و همچنین با تفکر دینی، بیگانه است. از دید منفعت گرایان، انسان ازنظر اخلاقی ملزم است به گونه‌ای عمل کند که بیشترین خوشی را برای بیشترین افراد جامعه فراهم آورد، هرچند به قیمت از دست رفتن خوشی خود او تمام شود. وظیفه گرایی دیدگاهی است که درستی اعمال، مقدم بر خوبی بوده و مستقل از آن است و درست تنها چیزی که خوب را بیشینه سازی کند نیست. ملاک درستی اعمال در نظریه‌های مختلف وظیفه گرایی چیزی از قبیل اصول عقلی مانند اصل تعمیم پذیری، ذات اعمال، امر الهی، قرارداد اجتماعی، اراده و انتخاب فردی یا حقوق است (16). وظیفه گرایان معتقدند که مقتضیات اخلاقی ممکن است با مقتضیات مصلحت اندیشی در تعارض باشد. براساس دیدگاه‌های دینی و نیز دیدگاه ارسطو و افلاطون، تعارضی در کار نیست تا اقدام به رفع آن نمود؛ زیرا آنگاه که ارزش واقعی زندگی فضیلت مدارانه دریافت می‌شود، افراد آن را در راستای خیر و صلاح خویش به حساب می‌آورند و از قوانین اخلاقی فرمان می‌برند.

نظریات قراردادگرای معاصر، خیر آدمی را در تامین خواسته‌ها، امیال یا منافعی می‌دانند که دستخوش عوامل متعددی است. بعضی تنها خواسته‌های عقلانی یا ترجیحات آگاهانه را می‌پذیرند و بعضی دیگر برای تشخیص خیر انسان، مراتب مختلفی از خواسته‌ها و منافع را ملحوظ می‌دارند. صرف‌نظر از نحوه انجام این کار، نتیجه آن است که این نیازها، خواسته‌ها، منافع و علایق فرد است که خیر و صلاح اجتماعی و سیاسی را تعیین می‌کند. هر گونه تمهیدات سیاسی که منافع و علایق را به شکلی عادلانه یا سودمند برای همه فراهم سازند، عادلانه تلقی می‌گردند. اما از نظر ارسطو موضوع برعکس است؛ بدین معنا که فعالیت سیاسی تنها وسیله‌ای برای سعادت فردی نیست، بلکه از آنجا که انسان به‌طور طبیعی موجودی اجتماعی است، فضیلت او به ضرورت در بافت اجتماعی تحقق می‌یابد.

در تفکر دینی نیز جامعه چیزی بیش از مجموعه‌ای از تمهیدات می‌نماید که ارزش آنها از گرایش‌شان به ترویج سعادت فردی نشأت گیرد(17).

نقش اخلاق محیط زیست در ارتقاء چارچوب توسعه پایدار

اخلاق محیط زیست[12]محل تعامل میان اهداف غایی و ابزار غایی، میان «توسعه» و «پایداری» می‌باشد. در هرم توسعه پایدار، محیط زیست به‌عنوان ابزار اصلی در قاعده و اخلاقیات به‌عنوان اهداف اصلی در راس هرم جای دارند. تعامل دو انتهای هرم جهت حصول به توسعه پایدار ضروری است میان آنچه به‌طور فیزیکی وجود دارد (سرمایه‌های طبیعی) و آنچه به‌طور غیر فیزیکی باید باشد (اخلاقیات و الهیات). جائی‌که اخلاق به حفظ محیط زیست و بالعکس محیط زیست نیز به تعالی اخلاق انسانی کمک می‌کنند. در این میان توجه به مفاهیم و دانش اخلاق محیط زیست می‌تواند در دستیابی به یک چارچوب مناسب جهت تلفیق اهداف غایی با ابزار غایی جهت ایجاد یک چارچوب موثر و جامع برای ایده توسعه پایدار، یاری رسان باشد.

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1395.11.1.1.9]

رویکردی در اخلاق محیط زیست که فرد را از دایره محدود مصالح و منافع خویش و حتی گونه خویش، بیرون برده و همراهی و همکاری با نظم موجود درطبیعت و احترام و همدردی با مظاهر آفرینش و حیات را تجویز می‌کند، می‌تواند به تعالی روح و تکامل معنوی[13] انسان- که هدف غایی توسعه پایدار و حیات اوست- رهنمون گردد. اخلاق محیط زیست این پرسش را مطرح می‌کند که یک انسان خوب در ارتباط با جهان طبیعی بایستی چه فضایلی و چه گرایشی داشته باشد تا یک زندگی خوب انسانی را سپری کند؟ اگر برای حفظ محیط زیست همکاری انسان‌ها ضرورت داشته باشد، برای میسر شدن این همکاری باید فضیلت‌های لازمه را دارا باشند. این‌ها عبارتند از: اعتماد، اعتبار، ازخود گذشتگی، امانت داری. فضایل اخلاقی[14] فراگیرتر فرد، یعنی آنچه که فرد به خاطر داشتن آن‌ها تحسین می‌شود یا به او احترام گذاشته می‌شود، فراتر از این مفهوم متداول اخلاق است. بسیاری از فلاسفه تجربهٔ «حیرت» را در عرصه‌های علم، دین و زیباشناختی مهم دانسته‌اند. «دین داری به زبان ساده به معنی پذیرش عمیق شکنندگی و وابستگی بشر است، پذیرش اینکه باری را که بشر به عنوان میراث بر دوش می‌کشد، نمی‌تواند بدون‌کمک دیگران تحمل کند. گرایش به شکرگزاری به خاطر وجود خود و حرمت به دنیای که بدان وابسته‌است و حس کردن این راز نامکشوف که چگونه در وجود آمده و می‌رود؛ تمامی این احساس‌ها در خاکساری بشر در مقابل عمل طبیعت یکجا گردهم می‌آیند»(13). گشادگی بی‌چشمداشت به جهان و به عمل درآوردن ظرفیت‌های انسانی برای مشاهده و درک آن، به رفاه بشر کمک می‌کند. این بدان معنی است که توجه و مراقبت، فارغ از طمع نسبت به چیزی در بیرون از فرد، به رفاه او می‌افزاید. ایده تلفیق اخلاق محیط زیست با رهیافت ارزیابی راهبردی محیط زیست[15] و ایجاد یک فرایند جدید برای ارزیابی‌های محیط زیستی طرحهای توسعه جهت نیل به «توسعه پایدار» نیز توسط پژوهشگران دیگری پیشنهاد شده است (18).

سعادت انسان از منظر قرآن

در ادیان مختلف به هدف از خلقت انسان پرداخته شده است. در دین اسلام کمال انسان در حصول به هدفی است که خالق برای او در نظر گرفته است. جهان هستی تنها در خدمت چنین هدفی است که در خدمت انسان و فایده رساننده برای او، قرار گرفته است. لذا تعیین اهدافی غیر از هدف خالق، به عدم رضایت نهایی و گمراهی انسان خواهد انجامید. معنای جانشین خداوند بودن به معنای محل ظهور اسماء الهی بودن یعنی محل تجلی تمامی خوبی‌ها و کمالات الهی است.

خداوند انسان را خلق نموده تا اسماء خودش را در آینه مخلوق ببیند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «ولله الاسماء الحسنی فادعوه بها» برای خداوند اَسمایی است که همه آنها نیک هستند و خدا ارا با آن اَسماء فرا بخوانید. سپس می‌فرماید که تمامی آنها را به انسان آموخته است.یعنی جانشین خداوند ظرفیت پذیرش تمامی جلوه‌های حضرت حق را دارد. بلی انسان جانشین خداوند بر روی زمین است.او آمده تا مبهوت جلال الهی و مظهر جمال او گردد. «ظاهر» عالم را ببیند و «باطن» حقایق معنوی بر وی آشکار شود و محل تجلی تمامی اسماء الهی شود(19).

با اینکه بیشتر گفته می‌شود انسان برای رسیدن به سعادت آفریده شده است. اما قرآن هدف خلقت و حضور انسان در زمین را عبادت می‌نامد. در قرآن هیچگاه این منطق مطرح نمی شود که انسان برای بیشتر دانستن و توانستن آفریده شده است بلکه آفریده شده تا خداوند را پرستش کند و اگر عبادت خداوند در میان نباشد بسوی هدف خلقت گام بر نداشته و سعادتمند نیست. در بخشی دیگر از کتاب آسمانی، ایجاد عدالت اجتماعی هدف مبعوث شدن پیامبران معرفی شده است. همچنین سعادت انسان در گرو تذهیب نفس عنوان شده است. اما هدف از تمامی موارد عناون شده، نزدیکی به خداست. زیرا انسان موجودی است الهی که هیچ چیز نمی تواند خلاء وجود خداوند را در وی پر کند(20). از دیدگاه اسلام، انسان خلیفه و جانشین خدا در زمین است و در این مقام، باید امانت دار باشد. خداوند حفظ و آبادانی کره زمین را به انسان سپرده و او را از هرگونه آسیب به سایر موجودات بر حذر داشته است. استفاده انسان از طبیعت باید تنها در جهت رفع

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1395.11.1.1.9]

«نیاز»ها و نه خواسته‌های زیاده طلبانـه و بـا پرهیـز از هرگونـه اسراف انجام گیرد(21).

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب عنوان شده، بنظر می‌رسد هدف غایی در هرم توسعه پایدارکه از وادی اخلاقیات و الهیات حاصل می‌گردد، باید چیزی بیشتر از احساس رضایت و امیـال مقطعـی و تـرجیح داده شده انسان‌ها باشد. بلکه با تاسی به مفاهیم نـاب قرآنـی و دیـن مبین اسلام و دیگر ادیان آسمانی، دستورالعملی است الهی، حک شده در فطرت انسانی، جهت رسیدن به سعادت و اوج تکامـل و خیر برای آدمی؛ هدفی که بخاطر حصول به آن به کـره خـاکی قدم نهاده ایم : هماهنگی با طبیعت و قـوانین الهـی، کمـک بـه گسترش خیر و خوبی و آگاهی معنوی و صلح و دوستی و روشن بینی و تعالی و فضایل اخلاقی و احساس همدردی و یکپارچگی با همه مظاهر حیات. خصوصیات و افعالی که بخودی خود خوب و نیک هستند و انسان جهت تعالی و رشد معنـوی خـویش و در نهایت رسیدن به مقام قـرب بـه خداونـد نیازمنـد آنهاسـت و در نهایت انسان مظروف تجلی اَسماء الهی در حیـات زمینـی خـود می‌باشد.

لذا آنچه که در ایده توسعه پایدار باید مطرح باشد، ایجاد رهیافتی سیستمی بر مبنای چرخهٔ «اهداف- ابزار» که هماهنگی و تعادل میان ظرفیت موجود طبیعی، نیازهای اولیه انسانی و اهداف غایی او را میسر می‌سازد و اسـتوار نمـودن اهـداف غـایی بـر مبنـای تعریفـی صـحیح و درخـور از سـعادت و خوشـبختی انـسان، می‌باشد. بدون شناخت ظرفیت و آستانه‌هـای محـیط طبیعـی از یک سو، نیازهای واقعی انسان و فراتر از آنها، ارزش‌های متعالی و الهی او و ایجاد ارتباط و بازخور میان آنها، حصول بـه اهـداف توسعه پایدار و در واقع پایداری حیـات درخـور انـسان، تـضمین نمی‌شود.

در این میان به‌نظر می‌رسد هدف از حـصول بـه اهـداف نهـایی توسعه پایدار بجای احساس رضـایت درونـی، بایـد بـر تعـالی و کسب خیر معنوی و الهی و به منصه ظهور رساندن قابلیت‌هـای الهی روح انسان متمرکز باشد. هدفی که در نهایت بـه توسـعه و تکامل روحی و معنوی و سعه صدر انسان می‌انجامد، حتـی اگـر موجبات رضایت و رفاه کوتاه مدت و مقطعی او را فراهم نیـاورد. بعد چهارمی که در تعاریف جاری توسعه پایدار کمتر از آن حرفی به میان آورده می‌شود. توسعه‌ای که پایداری و همـاهنگی آن بـا دیگر ابعاد توسعه، جهت حیات پایدار و درخور آدمـی مـورد نیـاز است و تنها در این صورت است که انسان به نهایـت رضـایت و احساس سعادت و خوشبختی واقعـی و پایـدار خواهـد رسـید. از مؤلفه‌های مطرح برای این بعـد چهـارم توسـعه در ایـن دیـدگاه عبارت از: گسترش عـدالت و خیرخـواهی، همـدردی و شـفقت، احترام به قوانین طبیعی و مخلوقات دیگر، روشـن بینـی، کـسب فضایل اخلاقـی و عبـادت خـالق و حیـرت از آفـرینش جهـان، احساس یکپارچگی با آن و در نهایت تلاش جهت تجلی اسـماء الهی(که به منصه ظهور رسیدن نهایت خیـر و خـوبی اسـت) در وجود خود، می‌باشند.

توجه به چنین توسعه پایداری، رویکردی است که شایسته اسـت در تدوین سیاست‌های ملی و بین‌المللی، خط مشی‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های توسعه پایدار نهادینه شده و مورد پایش قرار گیرنـد تـا بتوان ادعا کرد پایداریِ توسعهٔ درخور شأن انسانی، تضمین شـده است. چرا که بدون تعریف این عالی ترین مرتبـه هـرم توسـعه، جاده طولانی تلاش انسان جهت حصول به توسعه پایـدار هـیچ سرانجام مطمئن و رضایت بخشی نخواهد داشت.زیرا درچارچوب فعلی توسعه پایدار، تنها به توسعه ابزار توجه شده نه تعالی جان و روح آدمی - که تمامی مؤلفـه‌هـای دیگـر در خـدمت ایـن بعـد هستند. اگر جهانیان با سعی در تغییـر درک و آگـاهی خـود، بـه جای صرف انرژی، سـرمایه و تـلاش بـرای جنـگ، دشـمنی و تفرقه، آنها را صـرف صـلح و همـدلی و ارتقـاء آگـاهی معنـوی خویش می‌کردند، به یقـین جهـانی بـس متفـاوت و پایـدارتر را تجربه می‌کردند.

ملاحظه‌های اخلاقی

در مقالهٔ حاضر، با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاقی امانت داری علمی رعایت و حق معنوی مؤلفین آثار محترم شمرده شده است.

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1395.11.1.1.9]

واژه‌نامه

1. Sustainable Development	توسعه پایدار
2. Economic Efficiency	کارائی اقتصادی
3. Social Welfare	رفاه اجتماعی
4. Environmental Sustainability	پایداری محیط زیستی
5. Ecological Limitations	محدودیت‌های اکولوژیکی
6. Human Values	ارزش‌های انسانی
7. Ethical Values	ارزش‌های اخلاقی
8. Ultimate Tools	ابزار غائی
9. Natural Capitals	سرمایه‌های طبیعی
10. Ultimate Goals	اهداف غائی
11. Compassion	همدردی
12. Environmental Ethics	اخلاق محیط زیست
13. Spiritual Development	تکامل روحی
14. Moral virtues	فضایل اخلاقی
15. Strategic Environmental Assessment (SEA)	ارزیابی استراتژیک محیط زیست

منابع

1. Trinder JC. (2008). Remote sensing for assessing environmental impacts based on sustainability indicators. Beijing: The International Archives of the Photogrammetric, Remote Sensing and Spatial Information Sciences.
2. Hawkes J. (2001). The fourth pillar of sustainability: culture's essential role in public planning. Victoria. Australia: Common Ground Publishing.
3. Littig B, Griessler E. (2005). Social sustainability: A catchword between political pragmatism and social theory. Int J Sustain; 8: 65–79.
4. Dahl AL. (2012). Achievements and gaps in indicators for sustainability. Ecol Indic; 17: 14–19.
5. UNESCO. (2015). Culture in the post-2015 sustainable development agenda: Why culture is key to sustainable development. Available at: http://www.unesco.org/new/en/culture/themes/culture-and-development /hangzhou-congress/. Accessed: 31 Jan 2015.
6. Spangenberg JH. (2002). Institutional sustainability indicators: An analysis of the institutions in Agenda 21 and a draft set of indicators for monitoring their effectively. Sustain; 10: 103–115.
7. Clugston R. (2011). Ethical framework for a sustainable world. Sustain; 5: 173-176.
8. Southern African Faith Communities Environment Institute. (2012). Interreligious statement towards Rio+20 and beyond: A turning point in earth's history. South Africa: Southern African Faith Communities' Environment Institute.
9. Burford G, Hoover E, Velasco I , Janouskova S, Jimenez A, Piggot G, et al. (2013). Bringing the "missing pillar" into sustainable development goals: towards inter subjective values-based indicators sustainability. Journal of Sustainability; 5: 3035-3059.
10. Daly H. (2007). Ecological economics and sustainable development: selected essays of Herman Daly. USA: University of Maryland.
11. Meadows D. (1998). Indicators and information system for sustainable development. Sustainability Institute.
12. Max-Neef MA. (1991). Human scale development. New York: Apex Press.
13. Benson J. (2003). Principle of environmental ethics. Translated by: Vahabzadeh A. (2012). Mashhad: Jahad daneshgahi publication (Uni.). (In Persian).
14. Taylor C. (1989). Sources of the self. USA: Harvard University Press.
15. Sadredin MA. (1975). The source and resurrection. Translated by: Ashtiani JA. (1990). Iran: Wisdom and Philosophy Association. (In Persian).
16. Atrak H. (2010). Moral deontology. Ethics in Science and Technology; 1: 2. (In Persian).
17. Legenhaven M. (1997). Considering the concept of moral goodness. Journal of Critique & Theory; 13.
18. Mohamadi Ashnani M, Mohamadi Ashnani A, Hassani A. (2008). Integrating environmental ethics with strategic environmental impact assessment to achieve sustainable development. Ethics in Science and Technology; (3, 4). (In Persian).

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1395.11.1.1.9]

19. Taherzadeh A. (2008). The goal of human terrestrial life. 3rd ed. Tehran: Pardis publication. (In Persian).

20. Motahari M. (2011). The purpose of life. 14th ed. Tehran: Sadra publication. (In Persian).

21. Haghshenas M, Zakeri MH. (2008). Searching for environmental ethics concepts in Islamic teachings. Ethics in Science and Technology; (1, 2). (In Persian).

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1395.11.1.1.9]